



بررسی موانع و چالش های برنامه ریزی درسی در آموزش و پرورش

کوروش نوازنی

دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی ، دانشگاه شهید باهنر اراک (فرهنگیان)

Kouroshn1381@gmail.com

۰۹۹۲۳۶۵۴۰۴۷

چکیده :

برنامه درسی اصلی ترین عنصر نظام آموزش و پرورش و بنیادی ترین ابزار برای فراهم آوری دانش، تجربه و مهارت دانش آموزان برای عرضه خدمات به جامعه است. برنامه ریزی درسی شامل سازماندهی یک سلسله فعالیت های یاددهی یادگیری به منظور ایجاد تغییرات مطلوب در رفتار یادگیرنده ها و ارزشیابی میزان تحقق این تغییرات است . پژوهش حاضر به روش توصیفی و با اتکا به منابع کتابخانه ای می کوشد تا ضمن بررسی اصول برنامه ریزی درسی در نظام آموزش و پرورش ، به بررسی موانع و چالش های پیش روی آن پرداخته و الزامات اصلاح مفهوم فرآیند برنامه ریزی درسی و ساختار اجرایی آن در یک نظام غیر متمرکز را در جهت ارتقا بهره وری در برنامه ریزی درسی مورد بررسی قرار دهد .

واژگان کلیدی: برنامه ریزی درسی ، آموزش و پرورش ، چالش ها



مقدمه

از جمله مهمترین و اساسی ترین جنبه زندگی انسان ، تعلیم و تربیت است . وجود موقعیت جغرافیایی خوب و دارا بودن منابع و معادن گوناگون ، صرفا به عنوان ویژگی های یک جامعه سالم به شمار نمی آید ، بلکه جامعه ای سالم است که نظام تعلیم و تربیت پویا ، با نشاط و مترقی داشته باشد و در این چنین نظامی است که تربیت انسان هایی اخلاق گرا ، مستقل ، نوآور و آزاد صورت می گیرد که منجر به تعالی و رشد جامعه می گردد . (محمدی و همکاران ، ۱۳۹۵) هسته اصلی نظام تعلیم و تربیت، برنامه های درسی است . برنامه های درسی و نظریات در زمینه آموزش و پرورش از جمله عوامل و عناصری است که در تحقق بخشیدن به اهداف آموزشی نقش بسزایی دارد (نوروز زاده ، ۱۳۹۱) ،

برنامه های درسی به عنوان قلب نظام تعلیم و تربیت و ابزاری در جهت تحقق اهداف آموزش و پرورش می باشد . « برنامه درسی به عنوان یکی از ستونهای الزامی سازه علوم تربیتی نقش بی بدیلی در عملکرد های تربیتی داشته است .و حتی پا را از قلمرو رسمی بودن بیرون گذاشته، فرایندهای غیر رسمی را در بر گرفته است .برنامه درسی، به منزله ظرف و ظرفیتی در نظر گرفته شده است که کارکردهای چندگانه پیدا کرده و در صدد بر آمده تا همه اتفاق های آموزشی آشکار و پنهان و شکل عملی شدن انتظارات و مقاصد آموزشی را در خود جای دهد .برنامه درسی به منزله یک فرایند، می خواهد مسیری باشد که آغاز و پایان جریان یادگیری و آموزش را به هم پیوند دهد. » (اسکندری ، ۱۳۹۰)

« استقرار پایه های علمی برنامه درسی به عنوان یک حوزه مستقل و تخصصی و یک رشته تحصیلی به سال ۱۹۱۸ باز می گردد و نخستین کتاب در زمینه برنامه درسی توسط فرانکلین بوبیت منتشر شد. در واقع اثر بوبیت نخستین پایه های نظری برنامه درسی را پی ریزی کرد و مشوق دیگران در امر برنامه درسی بود. » (قورچیان، ۱۳۸۴)

برنامه درسی گذشته ای طولانی ولی تاریخچه ای کوتاه دارد. هرچند مفهوم برنامه درسی به طور ضمن در فعالیت های تربیتی از دوران باستان وجود داشته باشد ولی برنامه درسی به عنوان یک حوزه تخصصی مربوط به اوایل قرن بیستم می باشد . از طرف دیگر، مفهوم برنامه درسی به عنوان یک زمینه علمی منظم از اوایل قرن بیستم تا کنون دچار تغییر شده و گستردگی بیشتری یافته است. بنابراین می توان روند تحول برنامه درسی را از ابتدا تا کنون به شرح زیر مورد بررسی قرار دارد :

درجهان باستان، محتوای برنامه های درسی جنبه مدنی و خانوادگی داشته، برانطباق فرد یا جامعه ای که در آن زندگی می کرده تأکید می شده و برای این منظور در آموزش از روش های تقلید و تکرار، و کارآموزی بهره می بردند. در یونان و روم قدیم، رشد فردی و پیشرفت و سعادت جامعه هردو در برنامه های درسی مورد توجه بوده . در قرون میانه کلیساها و روحانیون عامل اصلی آموزش و پرورش و انتخاب محتوا بودند. بنابراین، برآموزش اعتقادات دینی و پرورش روح اسرار می شد، محتوای برنامه درسی تابع الهیات بود که ارتباط چندانی با طبیعت و اشیای خارجی نداشت، و معلم محور فعالیت های تربیتی محسوب می شد.

از رنسانس تا قرن بیستم به علم، طبیعت ، نیازهای جامعه، و توانائی ها و علائق دانش آموزان توجه ویژه ای شد که این توجه منجر به وارد شدن علوم به برنامه های درسی و تأکید برموضوع های عملی و شغلی گردید. دانش آموزان محور برنامه های درسی قرار گرفت و پرورش استعداد های بالقوه او از طریق بازی، تأکید برحواس در یادگیری، و کشف از طریق تجربه مدنظر قرارگرفت. در قرن بیستم اقدام های زیادی صورت گرفته که زمینه ساز شکل گیری وتوسعه برنامه درسی به عنوان یک حوزه تخصصی مستقل شدند. در این راستا می توان به



انتشار نخستین کتاب برنامه درسی توسط فرانکلین بوییت در سال ۱۹۱۸، تشکیل نخستین گروه برنامه درسی و آموزش در دانشکده تربیت معلم دانشگاه کلمبیا (نیویورک) در سال ۱۹۳۷، و تشکیل انجمن رهبری و برنامه درسی در سال ۱۹۴۷ اشاره نمود.

اجرای برنامه درسی در نظام آموزش و پرورش همواره با موانع و چالش هایی روبرو بوده است، که در این پژوهش به بررسی آنها پرداخته خواهد شد.

قاسم پور (۱۳۹۲) در تحقیق خود به بررسی چالش های آموزش و پرورش چند فرهنگی در نظام برنامه ریزی درسی ایران پرداخته و به این نتیجه دست یافت که « بسیاری از کشورها مانند ایران، به طور مستقیم، درگیر تنوع اقوام و فرهنگهای مختلف هستند. در این میان، مدارس به عنوان محیطهای آموزشی و فرهنگی، با واقعیت وجودی هویتها، اقوام و فرهنگها و عقاید متفاوت روبرو هستند. از جمله وظایف آموزش و پرورش ایجاد فضای آزاد برای یادگیری، کمک به توسعه پایدار، دموکراسی، برابری در فرصتهای آموزشی، صلح و عدالت آموزشی است. آموزش و پرورش برای تحقق بخشیدن به این وظایف، نیازمند ابزارهای لازم از جمله برنامه های درسی متناسب با شرایط و نیازهاست. برنامه درسی حوزه ای است که در آن، زبان و گفتمانهای متفاوتی به کار می رود و از جمله این گفتمانها، مباحث نژادی و چند فرهنگی و رفع تبعیض در عرصه تعلیم و تربیت است. با توجه به این که بسیاری از کشورها از جمله ایران به طور مستقیم درگیر تنوع اقوام و فرهنگ های مختلف هستند، یکی از وظایف برنامه درسی ملی، فراهم کردن بسترهای مناسب برای آشنایی دانش آموزان با فرهنگ های مناطق مختلف ایران است »

بهرام و عرفانیان (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی برنامه ریزی درسی در آموزش عالی چالش ها و راه حل ها پرداخته و نشان دادند « برنامه های درسی با عنوان قلب مراکز دانشگاهی در توفیق یا شکست این مراکز نقش کلیدی و بسیار تعیین کننده ای دارد. ارتقای کیفیت برنامه های درسی در ارتقاء دانش، نگرش و مهارت فراگیران تاثیر چشمگیری دارد پس بازنگری و به روز نمودن برنامه های درسی با توجه به تحولات و نوآوری های گوناگون در عرصه تبادل اطلاعات، تحولات اقتصادی، اقتصاد مبتنی بر دانش و توجه بیشتر متخصصان را می طلبد. از این روست که اصلاح و بازنگری برنامه های درسی در دانشگاه های پیشرفته جهان مطابق با تحولات روز صورت می گیرد زیرا تحولات جامعه باعث می گردد تا برنامه های درسی در خدمت جامعه باشد و نیازهای آنرا برآورده سازد. توجه لازم از سوی مسئولان به امر ارزیابی و بازنگری برنامه های درسی آموزش عالی می تواند گامی برای مطلوب تر ساختن برنامه های درسی و در نتیجه رشد و توسعه هر چه بیشتر آن باشد دانشگاه ها زیر مجموعه نظام آموزش عالی در فرایند توسعه کشورند و مراکزی که به تربیت و آماده ساختن نیروی انسانی کارآمد، شایسته و دارای مهارت برای پاسخگویی به نیازهای واقعی جامعه در زمینه های مختلف می پردازند. در راستای بهبود و بازنگری برنامه ریزی درسی در آموزش عالی توجه به نیازهای واقعی جامعه و دانشجو، انعطاف پذیری در برنامه درسی ملی و استاندارد، تغییر رویکرد آموزش، از تدریس به یادگیری، مشارکت عضو هیات علمی و دانشجو در فرآیند برنامه ریزی درسی، کاهش تمرکز گرایی در نظام برنامه ریزی درسی و برقراری ارتباط درونی میان برنامه درسی آموزش عالی با برنامه درسی مقاطع قبل به نظر ضروری می رسد. »

بختیاری و شیخ بابایی (۱۳۹۹) در تحقیق خود به بررسی چالش های برنامه درسی در محیط یادگیری الکترونیکی پرداخته و نتیجه گیری کردند « فضای مجازی به عنوان یک ابرمتن کنار برنامه درسی در زندگی روزمره یادگیرندگان نقشی روزافزون و تاثیرگذار پیدا نموده است. از این رو برنامه درسی به عنوان قلب فعالیت های آموزش و پرورش، از مهمترین عناصری است که مستلزم تحول متناسب با شرایط جدید است. برنامه های درسی به عنوان یکی از اجزاء بسیار مهم تعیین کننده ی نظام آموزشی به تبع این تحولات نیز تحت تأثیر قرار می گیرند و از ویژگی های خاص برخوردار می گردند. »



یافته های پژوهش مجریان (۱۴۰۰) در بررسی و شناخت موانع و چالش های اجرای برنامه ویژه مدرسه (طرح بوم) در دوره ابتدایی نشان داد « مولفه های پداگوژی معلمان، مشارکت معلمان، مشارکت اولیا، موقعیت اجتماعی و فرهنگی مدارس و امکانات موجود در مدارس دارای تفاوت معناداری در اجرای برنامه ویژه مدرسه است. به عبارتی مولفه های تاثیرگذار در اجرای برنامه ویژه مدرسه (طرح بوم) هستند. به علاوه، تفاوت بین دیدگاه معلمان زن و مرد در موانع و چالش های اجرای برنامه ویژه مدرسه نشان داد که در مولفه پداگوژی معلمان و مشارکت معلمان بین دیدگاه معلمان زن و مرد تفاوت معنادار وجود دارد اما در مولفه مشارکت اولیا، موقعیت اجتماعی و فرهنگی مدارس و امکانات موجود در مدارس بین دیدگاه معلمان زن و مرد تفاوت معناداری وجود ندارد. براین اساس پداگوژی و مشارکت معلمان، مشارکت اولیا، موقعیت اجتماعی و فرهنگی مدارس و امکانات موجود در مدارس نقش موثری را در اجرای برنامه ویژه مدرسه (طرح بوم) ایفا می کنند. »

روش شناسی

پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی و با اتکا به منابع کتابخانه ای به بررسی موانع و چالش های برنامه ریزی درسی در آموزش و پرورش پرداخته و با توجه به روش پژوهش، جامعه آماری پژوهش شامل کلیه اسناد، مدارک و منابع مرتبط با موضوع مورد بررسی از قبیل کتب، مقالات و پایان نامه ها می باشد.

بحث درباره یافته ها

آموزش همیشه به عنوان جریانی اثرگذار شناخته شده است. به این مفهوم که کاربرد آموزش به عنوان ابزاری در جهت کمک به هماهنگی نسل نوین در نظام موجود و انطباق آنها است به صورتی که به شکل خلاقانه و انتقادی با واقعیت روبرو شده و بفهمند که چگونه در جهت تغییر جهان خود مشارکت داشته باشند. مفهوم مذکور به سه نقش اساسی آموزش اشاره دارد: اول اینکه آموزش، نقش ترکیبی دارد و بر این اساس عنوان می کند که میزان اطلاعات افراد از دنیا چقدر است. دوم اینکه نقش آموزش در زمان نگهداری تفاوت های قدرت های موجود افراد و حفظ جایگاه افراد، متفاوت است. و نقش سوم آموزش کمک به افراد در شکل گیری نظرات آنها نسبت به جهان و تغییر آن است که در این صورت نقش آموزش به عنوان تغییردهنده می باشد. این آموزش ها از طریق برنامه های درسی، در مراکز آموزشی صورت می گیرد. برنامه ریزی درسی شامل سازماندهی یک سلسله فعالیت های یاد دهی و یادگیری به منظور ایجاد تغییرات مطلوب در رفتار یادگیرنده ها و ارزشیابی میزان تحقق این تغییرات است. برنامه ریزی درسی قلب نظام تعلیم و تربیت است و ابزاری در جهت تحقق اهداف آموزش و پرورش است.

انواع برنامه درسی

۱. برنامه درسی آشکار و رسمی



منظور از برنامه ی درسی رسمی ، فعالیت های برنامه های درسی هستند که نظام آموزشی آن ها را به طور رسمی اعلام می کند و در بسیاری از موارد در قالب کتاب های درسی در مدارس و مراکز آموزش عالی تدریس می شود.

۲. برنامه درسی پوچ یا تهی

عدم گنجاندن برخی از مفاهیم و مسائل در برنامه های درسی و یا عدم تطابق مطالب گنجانده شده در برنامه های درسی با سن عقلی فراگیران باعث می شود که برنامه درسی پوچ یا تهی باشد . (شورین الاحسنی و فولادی پناه ، ۱۳۹۳) « این نوع از برنامه درسی مشتمل بر همه تجربیات برنامه ریزی شده است که خارج از حوزه موضوعات مدرسه بوده و با توجه به ماهیت پاسخگویی و داوطلبانه بودن آن در برابر علایق و تمایلات دانش آموزان ، در نقطه مقابل برنامه درسی رسمی قرار می گیرد. هرچند این نوع از برنامه درسی از اهمیت کمتری نسبت به برنامه درسی رسمی برخوردار است ، اما از جهاتی اهمیت بیشتری نسبت به آن دارد. » (فتحی واجارگاه ، ۱۳۸۶)

۳. برنامه درسی پنهان

برنامه درسی پنهان نوعی برنامه است که روش انتقال آن غیر آگاهانه و به صورت ضمنی می باشد و میتواند در خانواده ، مدرسه و جامعه شکل گیرد و بهترین مکان برای رشد آن در مراکز آموزشی است . این نوع از برنامه ها را می توان به موازات و در کنار برنامه های درسی رسمی و با رعایت ویژگی های خاص برنامه درسی لحاظ کرد و در جهت رسیدن به آن ، پیش بینی های ضروری را انجام داد .

عناصر برنامه درسی

معروف ترین برداشت ارائه شده از عناصر برنامه درسی، طبقه بندی و الگوی فرانسیس کلاین در الگوی مطالعه مدرسه ای می باشد. جدیدترین دسته بندی مطرح در زمینه عناصر برنامه درسی از آکر است که شامل ده عنصر منطق، اهداف، محتوا، فعالیتهای یادگیری، روشهای تدریس، مواد و منابع یادگیری، زمان، فضا، گروه بندی و ارزشیابی است . مظاهری (۱۳۹۵) نیز برای برنامه درسی عناصر یازده-گانه ای مطرح کرده است که عبارتند از منطق، هدف، محتوا، شایستگیهای معلم، روشهای یاددهی یادگیری، فعالیتهای یادگیری، زمان، خانواده، محیط یادگیری، بسته آموزشی، ارزشیابی . که البته عنصر خانواده را برای دوره ابتدایی موثر دانسته اند.

به تعبیری ساده، اگر بگوییم برنامه درسی نقشه راه یادگیری است .می توان گفت برنامه درسی عبارتست از طرح و نقشه سازماندهی عناصر برنامه درسی در جهت تحقق اهداف موردنظر آموزشی .در ادامه به تبیین هر یک از این عناصر پرداخته شده است:

۱- هدف

هدف جهت دهنده به نظام آموزشی است. « هدف سنگ زیربنای آموزشی است.یکی از حیاتی ترین عناصر در فرآیند برنامه ریزی درسی، تعیین هدف یا اهداف می باشد.اهداف، عناصر اصلی برنامه ریزی درسی بوده و برنامه ها برای دستیابی به آن، طرحی و سپس اجرا



میشوند. تمام کارها و وظایف اعم از نیازسنجی، تعیین محتوا، روش تدریس، اجرا و ارزشیابی به منظور دستیابی به اهداف شکل می گیرند و عملی میشوند. هدف ها در واقع قصد نهایی تعلیم و تربیت بوده و یا نتایجی را مشخص می سازند که انتظار می رود، پس از اجرای یک برنامه درسی، بتوان در رفتار یادگیرنده مشاهده نمود. هدف در فرآیند آموزشی چیزی جز حد یادگیری نیست می باشد. « (ملکی، ۱۳۷۳)

در واقع یک برنامه درسی که به قصد ایجاد تغییرات در رفتار یادگیرنده اجرا میشود، این تغییرات را همان اهداف برنامه می نامند. مثلاً هدف اصلی در آموزش ریاضی که باید در برنامه های درسی ریاضی لحاظ شود، ایجاد و توسعه قدرت درک و فهم، استدلال، حل مساله، و تلفیق مقوله های مختلف ریاضی و ارتباط آنها با سایر مقولات است.

۲ - محتوا

« محتوا، دانش (حقایق، تبیین ها، اصول، تعاریف) مهارت ها و فرایندها (کنجکاوی، مشاهده، تفسیر یافته ها، طراحی تحقیق، اجرای آزمایش، ایجاد ارتباط و...) و ارزش ها (اعتقاد، به خوب و بد، صحیح و غلط و علاقه به علم و...) است. درواقع منظور از محتوای یک ماده درسی عبارت است از دانش سازمان یافته و اندوخته شده، اصطلاحات، اطلاعات، واقعیت، قوانین، اصول، روشها، مفاهیم، تعمیم ها، پدیده ها مسایل مربوط به همان ماده درسی است « (قورچیان، ۱۳۸۴)

ملکی در تعریف محتوای برنامه درسی بیان می کند: مجموعه مفاهیم، مهارت ها و گرایش هایی که برنامه ریزان آن را انتخاب و سازماندهی میکنند و تعامل یاددهی-یادگیری معلم و شاگرد را تولید می کند.

۳ - روش های یاددهی یادگیری

روش های تدریس از عناصر اصلی برنامه درسی است و در فرآیند آموزش و یادگیری نقش بارزی را ایفا می کند. « تحقق هدف های آموزشی از طریق کاربرد روش ها و فنون تدریس امکان می یابد. در برنامه درسی سعی بر این است با انتخاب محتوای مناسب، به ایجاد یادگیری و تغییر رفتار مطلوب پرداخته شود. شیوه ارائه محتوا یا روشی که طی آن سعی می شود، تغییرات مورد نظر در یادگیرنده ایجاد شود. روش تدریس و یا راهبرد یاددهی یادگیری نامیده میشود. در روش های یاددهی یادگیری، مواردی چون نحوه ارائه دانش، تغییر نگرش و آموزش مهارت های مورد نظر توسط معلم به دانش آموز، چگونگی ارتباط معلم با یادگیرنده، نحوه استفاده از امکانات و تجهیزات در فرآیند آموزش، نحوه و میزان مشارکت یادگیرنده در امر یادگیری، چگونگی ارتباط یادگیرندگان با یکدیگر، با محیط، مواد و با وسایل و امکانات آموزشی مورد توجه قرار می گیرد. « (صالحی و همکاران، ۱۳۹۷)

۴ - شایستگی های معلم

عنصر مهم بعدی در برنامه درسی، معلم است که با عبارت پرسشی چگونه معلمان یادگیری را تسهیل می کنند همراه شده است. معلم علاوه بر اینکه در برنامه درسی یکی از عناصر تلقی میگردد، عنصری مهم در نظام آموزشی و حتی به عنوان مهندس اجتماعی نیز محسوب میشود.



یکی از صلاحیت های بارز معلم این است که با مفاهیم اساسی، اصول و قوانین رشته علمی آشنایی کافی داشته باشد. اگر این صلاحیت ضعیف باشد، در انجام نقش آموزشی او خلل و کندی به وجود خواهد آمد. شرط اصلی یاددهی هر مفهومی، این است که مفهوم در ابتدا برای خود معلم شناخته شده باشد.

۵ - زمان آموزش

در نهاد آموزش و پرورش نیز مولفه زمان از جایگاه خاصی برخوردار بوده و زمان در تار و پود فعالیتهای آن نقش اساسی دارد. چنانچه در برنامه ریزی های آموزشی و درسی همیشه سوالاتی از جمله: چه درصدی از عمر افراد باید به آموزش اختصاص داده شود؟ بهترین زمان آغاز آموزش و پرورش چه سنی است؟ چه زمانی برای تشکیل کلاس، آغاز و انجام فعالیت مدارس مناسب است؟

براساس تحقیقات محققان دانشگاه پیس، و گزارش بیل متزگر زمان آموزش بیشتر به صورت یک پیوستار عمودی متنوع دانسته شده است. یک هرم وارونه را در نظر بگیرید و در قسمت بالای هرم زمان به صورت تعداد ساعات یک روز تحصیلی و روزها در یک سال تحصیلی در نظر گرفته شده است و قسمت پایین هرم به بیشترین زمانی که یادگیری در آن انجام میشود، اختصاص داده شده است. پیوستار از بالا به پایین به صورت زمان تخصص یافته، زمان درگیری با تکلیف و زمان یادگیری تحصیلی تقسیم بندی شده است

۶ - محیط یادگیری

یکی از عوامل مهم تعیین کننده موفقیت یک برنامه درسی اثربخش و نیز تعیین کننده رفتار یادگیرنده است و با دستاوردها رضایت و موفقیت او ارتباط دارد. از این عنصر اگر با عنوان مکان یاد میکند و اینکه دانش آموزان کجا می آموزند؟ در این جا به جای مکان از محیط یادگیری استفاده شده است. زیرا علاوه بر مکان فیزیکی جو و فضای روانی و همچنین محیط مجازی را نیز در بر میگیرد. همانطور که نمیتوان محتوای آموزشی را ۱۱ تجربیات موجود در ارائه واقعی یک برنامه درسی جدا نمود. در عین حال نمیتوان تجربه را از محتوا، یادگیری محتوا و کسب دانش را از فضا یا فضاهایی که در قالب آن تجربه رخ می دهد، تفکیک کرد. ویلیام، اذعان می کند: محیط یادگیری یک پدیده پیچیده از انعکاس فعالیت های یک معلم است. این مسئله به بعد روانی و امنیت و آرامش روحی و روانی یادگیرندگان اشاره دارد که در بحث محیط یادگیری بسیار مورد تاکید می باشد.

۷ - بسته آموزشی

یکی از محصولات نهایی هر طرح برنامه درسی تولید انواع گوناگون مواد آموزشی است و مواد آموزشی به صورت بسته یا کیت تهیه و عرضه میشود که این بسته حاوی مواد یادگیری انفرادی فراگیرنده از قبیل کتاب درسی، کتاب تمرین، و .. راهنمای معلم و تدریس، آزمون یا ابزار اندازه گیری شخصی، وسایل آموزشی مورد استفاده در کلاس درس از قبیل وسایل نمایشی، مرجع و گروهی، و تجهیزات دیداری و شنیداری می باشد.

۸ - ارزشیابی



ارزشیابی در مطالعات برنامه درسی شامل ارزشیابی برنامه درسی و ارزشیابی یادگیرنده یا همان ارزشیابی پیشرفت تحصیلی می باشد. ارزشیابی فرآیندی است که به منظور تصمیم گیری درباره اینکه فعالیت های آموزشی معلم و کوشش های یادگیری دانش آموزان به نتایج مطلوب انجامیده است، صورت می گیرد .

موانع و چالش های اجرای برنامه درسی

موانع زیادی در اجرای صحیح برنامه درسی تاثیر گذار است که برخی از آنها به شرح زیر است :

برنامه درسی غیر پویا، نامناسب و منتقل کننده اطلاعات دست دوم و حافظه مدار و نتیجه مدار ،با کمترین توجه به نیازهای واقعی دانش آموزان در همه سطوح.

نظام برنامه درسی کاملاً متمرکز و همگانی و انعطاف ناپذیر و بی توجهی به تفاوت های اقلیمی قومی فرهنگی و تفاوت های فردی و روانشناختی دانش آموزان.

نظام برنامه درسی پاسخ مدار، حافظه مدار و مقاوم در برابر مشارکت معلمان و نوآوری های آموزشی و فناوری اطلاعات و ارتباطاتی.

پاسخگو نبودن برنامه ها و روشها به نیازها و اقتضائات جدید آموزشی و انتظارات جامعه و خانواده نبودن نظریه مشخص و مناسب در حوزه برنامه درسی،

وجود تعارض های ارزشی، نگرشی و دیدگاهی در فلسفه تربیتی حاکم بر نظام آموزشی.

عدم جامعیت برنامه ها در آموزش مهارت های مورد نیاز و ضروری (مهارت های حرفه ای و شغلی حقوقی و وظایف شهروندی، سواد رسانه ای، آموزش و دموکراسی و تربیت مدنی).

روش های یک رویه در آموزش و فقدان انعطاف در روش های یاددهی یادگیری و عدم استفاده از روش های فعال فراشناختی متکی به هنر، مشارکت و حل مسأله و...از سوی مدیران یادگیری.

تأکید بر امتحانات و ارزشیابی های نتیجه مدار و تراکمی و صرفاً کمی و ارائه بازخورهای ناکافی و ناقص در مورد یادگیری دانش آموزان

یکی از اساسی ترین چالش ها در زمینه برنامه ریزی درسی ، موضوع تمرکز و عدم تمرکز است . « در سالهای اخیر، گرایش به تمرکز زدایی و تفویض اختیار بیشتر به مدارس در نظام آموزش و پرورش عمومی ، با هدف بهبود کیفیت آموزش و پرورش افزایش یافته است » (پیری و همکاران ، ۱۳۹۰) . متخصصان برنامه ریزی درسی سه نوع نظام برنامه ریزی درسی متمرکز، غیر متمرکز و نیمه متمرکز را معرفی نموده اند. سبک اداره هر کشور عمدتاً تابع اوضاع سیاسی، اقتصادی، جغرافیایی، مقتضیات زمان و مکان، عقاید و آراء فائق بر جامعه و یا به طور کلی تابع رشد سیاسی و اجتماعی و فرهنگی افراد آن جامعه است. تمرکز کارکردی است در مورد اینکه قدرت تصمیم گیری تا چه حدی به سطوح پائین تر سازمان واگذار شده است. هیچ سازمانی کاملاً متمرکز یا کاملاً غیر متمرکز نیست. امروزه مدیران، آن مقدار از تمرکز یا عدم تمرکز را برمی گزینند که به آنها کمک کند به بهترین نحوی تصمیماتشان را اجرا کنند و به اهداف سازمانی دست یابند در نظام



برنامه‌ریزی درسی متمرکز، معمولاً برنامه‌داری را نهاد مرکزی تهیه می‌کند و مناطق و مدارس به اجرای وفادارانه آن ملزم می‌باشند. در نظام برنامه‌ریزی درسی غیر متمرکز، تمامی اختیارات به سطوح پایین‌تر واگذار می‌شود و هر یک از واحدها آزادی و اختیار عمل دارند. در نظام برنامه‌ریزی درسی نیمه‌متمرکز، سیاست‌ها و چارچوب‌ها را نهاد مرکزی تدوین می‌کند و بخشی از اختیارات به مناطق و مدارس واگذار می‌شود و نظارت و کنترل از سوی نهاد مرکزی اعمال می‌شود. نظام برنامه‌ریزی درسی کشورهای مختلف را بر حسب میزان تمرکز و فقدان تمرکز می‌توان بر روی یک پیوستار قرار داد. نظام برنامه‌ریزی درسی ایران، در طی یکصد سال گذشته، گاه به سمت تمرکز و گاه به سمت غیرمتمرکز بودن میل نموده است.

« در واقع یکی از دلایل دفاع از تمرکززدایی در آموزش، بر این پایه استوار است که تصور می‌شود با واگذاری حق تصمیم‌گیری و مسئولیت پاسخ‌گویی به مدارس، کیفیت آموزشی افزایش می‌یابد، زیرا در آن صورت، مدیران، معلمان و والدین سهم بیشتری در انتخاب محتوا و کیفیت آموزش خواهند داشت » (گویا و قدکساز، ۱۳۸۶). برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور به عنوان راهبردی برای تمرکز زدایی از برنامه‌ریزی یکسان و یکنواخت مرکزی، در این مسیر می‌تواند راهگشا باشد.

« تمرکز زدایی به معنای انتقال قدرت از یک سطح نظارتی بالاتر از قبیل اداره آموزشی سازمان یا دفتر مستقل آموزشی در سطح کشوری یا استانی، به یک سطح سازمانی پایین‌تر مانند مدرسه است. در حوزه برنامه‌ریزی درسی، انتقال این قدرت از سطح متخصصان موضوعی و برنامه‌ریزان درسی و مدیران پروژه‌های متمرکز در دفاتر مرکزی برنامه‌ریزی درسی به سطوح پایین‌تر در سطح مناطق و مدارس و بیشتر به معلمان و مدیران به مفهوم تمرکززدایی است که در جهت انتخاب یا سازگارسازی محتوای کتابهای درسی یا در سطحی بالاتر، از نظر تمرکززدایی و اقتدار مدرسه به صورت طراحی و تولید برنامه‌های درسی و نوآوری در دروس گوناگون، در سطح مدرسه و در انطباق با نیازها و اقتضائات محیط آموزشی صورت می‌پذیرد. » (سلسبیلی، ۱۳۸۶)

الزامات عدم تمرکز در نظام برنامه‌ریزی درسی

هدف از تمرکز زدایی ایجاد نظام آموزشی «انعطاف‌پذیر»، « بهره‌ور » و « پاسخگو» نسبت به نیازهای واقعی از راه تفویض اختیارات به مسئولان مدارس و والدین در جهت تصمیم‌گیری پیرامون مسائل آموزشی می‌باشد. اما در این راستا و قبل از هر گونه اقدامی می‌بایست الزاماتی را در این زمینه رعایت کرد: (رئیس دانا و تلخایی، ۱۳۸۴)

- در برنامه‌های غیر متمرکز به هر حال حکومت مرکزی به نوعی در کار دخالت می‌کند. یعنی برنامه‌ریزی کاملاً غیر متمرکز ممکن نیست.
- عدم تمرکز بنا بر نوع آن و یا سطح آن کارکردهای متفاوت دارد، اما وجوه مشترکی را می‌توان در همه آنها دید.
- عدم تمرکز هم دارای نقاط قوت و مزایایی است و هم حاوی نقاط منفی و نقطه ضعف‌هایی است.
- الزامات یا پیش‌نیازها باید قبل از اجرا تأمین شود و این الزامات با توجه به نوع تمرکز تفاوت می‌یابد
- عدم تمرکز در سطوح پایین آموزش فواید زیادی را در بر ندارد، بلکه در سطوح بالاتر کارآمدتر است.



نتیجه گیری

برنامه ریزی درسی شامل سازماندهی یک سلسله فعالیت های یاد دهی و یادگیری به منظور ایجاد تغییرات مطلوب در رفتار یادگیرنده ها و ارزشیابی میزان تحقق این تغییرات است . پیرو موانع و چالشهای متعددی که در اجرای برنامه درسی در نظام آموزش و پرورش وجود دارد ، بحث تمرکززدایی از مهمترین این چالش ها محسوب می گردد . تمرکززدایی به عنوان یک گرایش جهانی گفتمان غالب سیاسی کشورها در دو دهه اخیر بوده و توزیع قدرت در خصوص نظام آموزشی بخش مهمی از استراتژی جوامع تلقی گردیده است. امروزه ضرورت های اجتماعی ، سیاسی ، فرهنگی و علمی ، تمرکز زدایی را محور اصلاحات آموزشی قرار داده است . مدیریت مدرسه محور یا تصمیم گیری مشارکتی عبارت است از: تمرکز زدایی پایدار مستمر و تدریجی در نظام آموزشی، انتقال اقتدار تصمیم گیری، ارتقاء کیفیت آموزشی و دست یابی به فرایند جهانی شدن آموزش و پرورش ، ارزشیابی مستمر از فعالیتهای به صورت بازخورد و دست یابی به اهداف مدیریت کیفیت و در نتیجه تغییر حرکت از برنامه روزی به برنامه ریزی جهت ارتقاء کیفی .

برنامه ریزی درسی مدرسه محور سازوکارهایی را برای مدارس ارائه می دهد که :

۱ . نیازها و علائق دانش آموزان و جامعه را بهتر برآورده کند.

۲ . یادگیری مدرسه را در دانش و منابع محلی قرار می دهد تا انتظارهای ملی و محلی مورد توجه قرار گیرد .

۳ . به ایده ها ، موضوع ها و فن آوری های جدید در برنامه درسی توجه شود .

تحقق این ایده ها مستلزم آن است که معلمان به جای انتقال دهنده دانش ، برنامه ریزان برنامه درسی در مدارس باشند و دانش آموزان هم به جای مصرف کنندگان دانش ، با مشارکت در فرآیند برنامه ریزی درسی در تولید دانش و فعالیت های یادگیری ، نقش فعالی به خود اختصاص دهند.

پیشنهادهات

در همین راستا پیشنهاد می شود وزارت آموزش و پرورش در جهت توانمند سازی هر چه بیشتر مسئولان ، مدیران و معلمان مدارس در خصوص بازنگری و تدوین برنامه تلاش نماید. از جمله اقدامات مناسب می توان به برگزاری سمینارها و کارگاههای تخصصی ، دوره های آموزشی و تهیه متون تخصصی مناسب اشاره کرد .

منابع

اسکندری، حسین (۱۳۹۰). برنامه درسی پنهان. تهران: انتشارات نشر نسیم

بختیاری ، رسول ؛ شیخ بابایی ، روشنگر ؛ ۱۳۹۹ ، چالش های برنامه درسی در محیط یادگیری الکترونیک ، پیشرفت های نوین در روانشناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش سال سوم ، شماره ۳۱



بهرامن، مصطفی و عرفانیان قونسولی، لیلا، ۱۳۹۷، برنامه ریزی درسی در آموزش عالی چالش ها و راه حل ها، پنجمین کنفرانس بین المللی روانشناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی، قزوین

پیری، موسی؛ عطاران، محمد؛ کیامتش، علیرضا؛ حسین نژاد، غلامرضا؛ (۱۳۹۰)، برنامه ریزی درسی مدرسه محور راهبردی برای تمرکز زدایی از نظام برنامه ریزی درسی، مجله علمی پژوهشی پژوهش های برنامه درسی، انجمن مطالعات برنامه درسی ایران، دوره اول، شماره اول

رئیس دانا، فرخ لقا؛ تلخابی، محمود؛ (۱۳۸۴)، برنامه ریزی درسی غیر متمرکز: ضرورتها و الزامات، همایش تمرکز و عدم تمرکز در فرایند برنامه ریزی درسی

سلسبیلی، نادر. (۱۳۸۶). گذار نظام برنامه ریزی درسی ایران به سمت عدم تمرکز در طراحی و تدوین برنامه درسی، با تاکید بر برنامه ریزی درسی مبتنی بر مدرسه. مطالعات برنامه درسی، ۱(۴)، ۴۹-۶۸.

شورین الاحسنی، مهناز؛ فولادی پناه، علی اصغر (۱۳۹۳)، برنامه درسی پنهان، پنهان از دید چه کسی

صالحی، کیوان؛ صفایی موحد، سعید؛ حکیم زاده، رضوان؛ مهدیان، سمیه، ۱۳۹۷، بازنمایی ادراک و تجربه زیسته معلمان از منزلت اجتماعی شان مطالعه ای به روش پدیدارشناسی، مجله خانواده و پژوهش

فتحی واجارگاه، کوروش، (۱۳۸۶)، برنامه درسی به سوی هویت های جدید: شرحی بر نظریات معاصر برنامه درسی

عزیز زاده، هادی؛ (۱۳۸۰)، مدیریت مدرسه محوری: تحلیل میدان نیرو برای اجرای مدیریت مدرسه محور در ایران، تهران، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، سند ۲۷۵۹

قورچیان، نادرعلی؛ ۱۳۸۴، طراحی و مهندسی برنامه درسی در هزاره سوم، نشر فراشناختی اندیشه، تهران

قاسم پور مقدم، حسین، ۱۳۹۲، چالش های آموزش و پرورش چند فرهنگی در نظام برنامه ریزی درسی ایران، همایش ملی آموزش و پرورش چند فرهنگی، ارومیه،

گویا، زهرا؛ قدکساز خسروشاهی، لیلا (۱۳۸۶)، تبیین جدیدی برای تمرکز و عدم تمرکز در ایران، فصل نامه مطالعات برنامه درسی، ۱(۴)، ۲۸-۱۷

ملکی، حسن، ۱۳۷۳، شناخت اصول و معیارهای برنامه ریزی درسی (صلاحیت های حرفه ای معلمی)، مجله رشد معلم،

مجریان گلوگاهی، نازنین؛ ۱۴۰۰، شناخت موانع و چالش های اجرای برنامه ویژه مدرسه (طرح بوم) در دوره ابتدایی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی

محمدی، یحیی؛ کیخا، علیرضا؛ علیپور مقدم، خدیجه؛ (۱۳۹۵)، طراحی برنامه درسی متعادل با رویکرد برنامه ریزی درسی فطری و معنوی، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال بیست و چهارم، دوره جدید، شماره ۲۳

نوروز زاده، رضا؛ (۱۳۹۱)، وضعیت سهم مشارکت دانشگاه ها در بازنگری برنامه درسی رشته علوم تربیتی، فصلنامه راهبرد فرهنگ، شماره ۱۹، ۱۶۸-۱۳۹